

## فرایند رشد درک استعاره در کودکان ۶-۸ ساله فارسی‌زبان

شهلا رقیب‌دوست\*

شهره صادقی\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر توانایی درک استعاره در کودکان فارسی‌زبان از سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال را ارزیابی کرده است. گروهی از پژوهشگران معتقدند که درک استعاره در اوایل دوره نوجوانی صورت می‌گیرد. برخی دیگر از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که کودکان در سنین پیش از دبستان قادر به فهم مفاهیم استعاری‌اند. زبان‌شناسان شناختی نیز معتقدند استعاره از جنبه‌های اساسی زبان و شناخت است که به صورت ذاتی و ناآگاهانه برای درک احساسات و دیگر مفاهیم ذهنی و انتزاعی به کار می‌رود. به منظور ارزیابی توانش استعاری کودکان، آزمونی دوگزینه‌ای شامل ۳۶ جمله استعاری در قالب چهار زیرآزمون تدوین و اجرا گردید. بر پایه نتایج به دست آمده، کودکان در سنین پایین در درک انواع استعاره چندان توانا نیستند اما، به موازات رشد سنی، تعقلی و گسترش دانش جهان‌شناختی، تفاسیر و استنباط‌های آنان از استعاره‌ها، در روندی تکوینی، متکامل تر و پرورده تر می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه شناختی، شناخت، درک استعاره، رشد زبان، کودک فارسی‌زبان.

### ۱. مقدمه

استعاره (metaphor) نوعی بازنمایی جدید و گسترش مفاهیم از حوزه‌ای به حوزه دیگر است. در مطالعه استعاره، می‌توان دیدگاه‌های مختلفی را برشمرد. در دیدگاه کلاسیک (classic view)، که ارسطو نخستین پایه‌گذار آن بود، استعاره موضوعی صرفاً زبانی و

\* دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، neishabour@hotmail.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، shohresadeghi27@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۷

خاص زبان ادب در نظر گرفته می‌شود، نه موضوعی ذهنی و فکری. گویی عبارات استعاری با حوزه زبان روزمره و عادی در تناقض بودند. آثار کلاسیکی که پس از ارسطو نوشته شدند نیز عمدتاً دنباله‌رو همان گرایش نظری بودند، و سه نگرش جایگزینی (substitution)، مقایسه‌ای (comparison)، و تعاملی (interaction) درباره استعاره در این دیدگاه مطرح شدند. در دیدگاه دوم که دیدگاه رمانتیک (romantic view) نامیده می‌شود، تمایزی میان زبان خودکار و زبان ادب مطرح نیست. در این رویکرد، استعاره به زبان ادب محدود نمی‌شود و لازمه زبان و اندیشه برای بیان جهان خارج و شاهدی برای نقش تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال به حساب می‌آید (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۶۸).

زبان‌شناسی شناختی (cognitive linguistics)، که از مکاتب نوین زبان‌شناسی است، رویکردی است به مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی (conceptualization). بنابراین، مطالعه زبان، از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. زبان‌شناسان شناختی پیرو نگرش رمانتیک‌اند و، به‌خلاف دیگر صاحب‌نظران که استعاره را پدیده‌ای زبانی و به‌ویژه خاص زبان ادبی می‌دانند، بر این نظرند که استعاره پدیده‌ای شناختی و ذهنی است و آنچه در زبان ظاهر می‌شود فقط نمودی از این پدیده ذهنی است. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson, 1980) در نظریه خود که آن را «نظریه معاصر استعاره» (contemporary theory of metaphor) نامیده‌اند، از استعاره مفهومی (conceptual metaphor) سخن گفته‌اند و بیان می‌دارند که استعاره امری تزئینی یا مخصوص زبان ادبی نیست، و حتی مخصوص زبان نیست، بلکه در اندیشه و عمل هر روز ما جاری است. بنابراین، نظام مفهومی ما که بر اساس آن فکر و عمل می‌کنیم ماهیتی اساساً مبتنی بر استعاره دارد (گلغام، ۱۳۸۱: ۶۲).

درک استعاره در حوزه کاربردشناسی زبان (pragmatics) بررسی می‌شود. از منظر کاربردشناسی، هر پاره‌گفتار دو نوع معنی دارد: معنی زبانی و معنای مورد نظر گوینده. معنی زبانی اطلاعات زبانی موجود در آن پاره‌گفتار را منتقل می‌کند. هنگامی که معنای لفظی هدف نهایی گوینده است، می‌توان گفت که معنای لفظی و معنای مورد نظر گوینده بر هم منطبق‌اند، اما وقتی این انطباق وجود ندارد، می‌توان گفت معنای جمله ناقص (defective) است که، در این حالت، شنونده باید معنای ضمنی جمله را بیابد. طبق دیدگاه کاربردشناسی گلاکسبرگ و کیسر (Glucksberg and Kaysar, 1993)، یکی از موارد عدم انطباق بین معنای زبانی جمله و معنای مورد نظر گوینده استعاره است. بر مبنای نظر گلاکسبرگ و کیسر (1993: 406)، درک استعاره اساساً متفاوت از درک معنای لفظی نیست و فرد معنای استعاری

را پیش از رد معنای تحت‌اللفظی درک می‌کند. بنابراین، آن‌ها نظریهٔ ثانویه بودن معنای استعاره نسبت به معنای لفظی را مردود دانستند. مورگان (Morgan, 1993: 128) معتقد است استعاره‌ها قابلیت تبدیل شدن به تشبیه و سپس درک شدن را ندارند، هرچند استعاره و تشبیه هر دو مبتنی بر شباهت بین دو چیز یا دو شیء هستند. به نظر او، در درک استعاره‌ها، فرد نخست باید وجه تشابه دو چیز را یا به‌صورت مستقیم با شناسایی ویژگی‌های مرتبط با بافت حاضر یا به‌صورت غیرمستقیم، با توجه به مقولهٔ شامل (superordinate) که دربردارندهٔ ویژگی‌های مشترک آن دو است، بیابد و سپس مشبه و مشبه‌به را در یک مقولهٔ جدید دسته‌بندی کند. تحقق این مراحل مستلزم آگاهی معنایی، زبانی، و فرازبانی (metalinguistic) است و، از این رو، درک استعاره مشکل به‌نظر می‌رسد.

با توجه به اهمیت رشد شناختی و ذهنی انسان در دوران کودکی، محققان بسیاری سعی کرده‌اند توانش استعاره‌ی کودکان را از سنین پایین ارزیابی کنند. پیازه (Piaget, 1959)، بنیان‌گذار «نظریهٔ مرحله‌ای رشد» (stage development theory)، بر این نظر بود که قوهٔ فکر، یا به تعبیر او هوش انسان، در جریان زنجیره‌ای از مراحل کیفی مجزا از یک‌دیگر رشد می‌کند. به اعتقاد او، کودکان مفاهیم مختلف را در دوران نوزادی، کودکی، و نوجوانی، به‌تدریج عمیق‌تر درک می‌کنند. بر اساس نظریهٔ پیازه، همهٔ کودکان با گذر از چهار مرحله رشد می‌کنند و استدلال آن‌ها در مراحل پایین‌تر، از نظر کیفی، با استدلال آن‌ها در مراحل بالاتر تفاوت می‌کند. چهار مرحله‌ای که او برای رشد شناختی و عقلانی کودک در نظر می‌گیرد عبارت‌اند از: ۱. مرحلهٔ حسی - حرکتی (sensorimotor stage)، از تولد تا دو سالگی، ۲. مرحلهٔ پیش‌عملیاتی (preoperational stage)، دو تا هفت سالگی، ۳. مرحلهٔ عملیات عینی (concrete operational stage)، هفت تا یازده سالگی، و ۴. مرحلهٔ عملیات صوری (formal operational stage)، یازده تا شانزده سالگی (زیگلر و آلیالی، ۱۳۸۷: ۱۸).

پیاژه معتقد است در مرحلهٔ سوم، که هم‌زمان با دورهٔ دبستان است، کودک توانایی انجام دادن عملیات منطقی عینی را می‌یابد، یا به‌عبارت دیگر، می‌تواند ارتباط امور ملموس و عینی را در ذهن خود استنتاج کند. او هم‌چنین می‌تواند تفاوت میان گروه‌های اشیا را دریابد و آن‌ها را طبقه‌بندی کند. در مرحلهٔ چهارم رشد شناختی، که دورهٔ انجام عملیات منطقی ذهنی و درک روابط انتزاعی است، تفکر منطقی‌تر و نظام‌مندتر می‌شود و ظرفیت تفکر فرضیه‌ای - قیاسی (hypothetico-deductive thinking) در نوجوان پیدا می‌شود. طبق نظر او، کودکان ابتدا دربارهٔ طبقات اشیا و روابط بین این طبقات به‌عنوان ایده‌های جدا فکر می‌کنند، ولی در نهایت آن‌ها را به‌صورت یک‌پارچه درک و رابطهٔ طبقات مختلف با یک‌دیگر را

کشف می‌کنند (همان: ۲۵). طبق نظر اینهلدر و پیاژه (Inhelder and Piaget, 1964)، کودکان برای مقوله‌بندی تجربیات خود باید درک درستی از ساختارهای سلسله‌مراتبی (hierarchical structures) و روابط طبقه - شمول (class-inclusion relations) داشته باشند؛ یعنی آن‌ها باید درک کنند که هر زیرطبقه باید همواره کوچک‌تر از طبقهٔ شاملی باشد که آن زیرطبقه را در بر گرفته است. کمتا و اسن (Cometa and Eson, 1978) معتقدند که عملیات دسته‌بندی اشتراکی (intersectional classification) طبقهٔ جدیدی را ایجاد می‌کند که نمایندهٔ نقاط مشترک دو طبقه از لحاظ ویژگی‌های مشترک آن‌ها است. توانایی درک پاره‌گفتارهای استعاری هم‌زمان با توانایی انجام عملیات دسته‌بندی اشتراکی رشد می‌یابد و، از آن‌جا که این توانایی در اواخر مرحلهٔ عملیات عینی رشد می‌کند، می‌توان ادعا کرد کودکان نمی‌توانند پیش از یازده سالگی استعاره‌ها را درک کنند.

یافته‌های اغلب پژوهش‌هایی که در دههٔ ۱۹۷۰ در مورد درک استعارهٔ کودکان انجام شدند نیز هم‌سو با نظر پیاژه بودند. در عین حال، نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نیز نظر پیاژه را تأیید نکردند بلکه نشان دادند که کودکان خردسال، بسیار بیش‌تر از آن‌چه تا به حال تصور می‌شده است، توانایی درک این‌گونه مسائل را دارند؛ از نمونه، گاردنر (Gardner, 1974)، گنتنر (Gentner, 1977)، وینر و همکاران (Winner et al., 1980) و نیز وسنیادو و همکاران (Vosniadou et al., 1984) نشان دادند، در صورتی که هیچ عاملی بر درک استعاره تأثیر نداشته باشد، کودکان از سن ۴ سالگی توانایی اندکی در پردازش زبان مجازی دارند. پژوهشگران این اختلاف نظر دربارهٔ سن درک استعاره در کودکان را متأثر از چند عامل می‌دانند که از جمله می‌توان به نوع صورت زبانی استعاره، بافت استعاره، نوع آزمون سنجش درک استعاره، و محتوای استعاره اشاره کرد (Vosniadou, 1986: 35).

تعامل بین دانشمندان علوم شناختی و زبان‌شناسان به اجرای پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینهٔ استعاره از دیدگاه‌های مختلف زبانی و شناختی منجر شده است و استعاره به‌عنوان بخش اساسی زبان و تفکر در حوزهٔ فراگیری زبان در کودکان بررسی شده است. زبان‌شناسان شناختی، به‌خلاف نظر پیاژه، بر این عقیده‌اند که استعاره‌ها به‌صورت ذاتی و ناآگاهانه برای درک ذهن، احساسات و دیگر مفاهیم انتزاعی به‌کار می‌روند. استعاره از جنبه‌های اساسی زبان و شناخت است که مانند دیگر مفاهیم زبانی به‌صورت ناآگاهانه و به‌آسانی توسط کودک از زمان تولد فراگرفته می‌شود و کودکان در سال‌های آغازین زندگی قادر به درک و تولید برخی از مفاهیم استعاری‌اند (گلفام و رنگین‌کمان، ۱۳۸۶: ۷۰۹). لیکاف و جانسون (1999) معتقدند که انسان زبان را برای اندیشیدن و انتقال معنی، حل

مسئله، ارتباط منطقی و پیچیده، تحقیق و ارزیابی یاد می‌گیرد و جهان را از راه تجربه می‌شناسد. وسیله اولیه شناخت برای انسان دستگاه حسی - حرکتی او است، وسیله بعدی برای مقوله‌بندی جهان خارج زبان است و شیوه مقوله‌بندی تجربه‌های محیطی به کمک زبان عمدتاً به شیوه استعاری است (نیلی پور، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۲).

هدف پژوهش حاضر بررسی فرایند رشد درک استعاره در کودکان ۶-۸ ساله فارسی‌زبان است. با توجه به دیدگاه‌ها و یافته‌های تحقیقات مختلف در مورد فراگیری استعاره در کودکان و تأثیرات محیطی و فرهنگی حاکم بر شکل‌گیری مفاهیم استعاری، نگارندگان بر آنند که میزان و ماهیت مهارت درک استعاره را در ۳۰ کودک فارسی‌زبان تهرانی در سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال مطالعه و مقایسه کنند تا، ضمن ارزیابی عملکرد درون‌گروهی این مهارت در هر گروه سنی، الگوی رشدی این فرایند را نیز از طریق بررسی داده‌های بین‌گروهی این کودکان مشخص و ارائه کنند. از دیگر اهداف مورد نظر پژوهشگران، بررسی میزان تأثیر ساخت‌های نحوی و حوزه‌های معنایی بر درک انواع استعاره در هر یک از سه گروه سنی است.

برای نیل به اهداف مورد نظر در پژوهش حاضر، نگرش میلر (Miller, 1993) نسبت به استعاره مبنای کار قرار گرفته است. میلر (1993: 357-400) انواع مختلف ساخت‌های زبانی استعاره را مطالعه و آن‌ها را به سه نوع نحوی گزاره‌ای (predicative)، تناسبی (proportional) و جمله‌ای (sentential) تقسیم کرد. استعاره‌های گزاره‌ای با ساخت نحوی «مشبه = مشبه‌به» مانند تشبیه هستند؛ یعنی، در این نوع استعاره، یک مشبه وجود دارد که این مشبه را به صورت استعاری یک مشبه‌به توصیف می‌کند. از نمونه، در جمله «زرافه نردبان است»، «زرافه» مشبه و «نردبان» مشبه‌به است و ویژگی‌های مشبه‌به به مشبه منتقل شده است. استعاره‌های تناسبی، تناسبی هستند که یک جزء ندارد. مثلاً، در جمله «چشم مینا ابری بود که می‌بارید»، نسبت «چشم» به «گریه» مانند نسبت «ابر» است به «باریدن». بنابراین، می‌توان گفت در زیرساخت دو مشبه و دو مشبه‌به وجود دارد که یک مشبه در روساخت دیده نمی‌شود. در مثال بالا، «ابر» و «باریدن» هر دو مشبه‌اند و «چشم» و «گریه» هر دو مشبه، ولی مشبه دوم یعنی «گریه» به لفظ در نمی‌آید. از نظر ساخت نحوی، استعاره‌های جمله‌ای با استعاره‌های گزاره‌ای و تناسبی متفاوت‌اند؛ به این صورت که، در استعاره‌های جمله‌ای، فقط مشبه وجود دارد و مشبه‌به باید از بافت استنباط شود. بنابراین، در این نوع استعاره، مشبه‌به ویژگی‌های مشترک را بیان نمی‌کند بلکه این ویژگی‌ها از فعل جمله برداشت می‌شود، مانند «باد تمام شب در گوش او زمزمه کرد».

با تمرکز بر اهداف یادشده، پرسش‌هایی که محور این پژوهش را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: ۱. مهارت درک انواع استعاره ادراکی - گزاره‌ای (perceptual-predicative)، روان‌شناختی - گزاره‌ای (psychological-predicative)، ادراکی - تناسبی (perceptual-proportional) و روان‌شناختی - تناسبی (psychological-proportional) در کودکان فارسی‌زبان در هر یک از گروه‌های سنی ۶، ۷ و ۸ سال در چه سطحی است؟ ۲. درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در هر یک از سه گروه سنی آزمودنی چگونه است؟ ۳. تفاوت کمی و کیفی درک انواع استعاره در کودکان فارسی‌زبان در گروه‌های سنی ۶، ۷ و ۸ سال به لحاظ رشدی چگونه است؟ و ۴. میزان تأثیر ساخت‌های نحوی گزاره‌ای و تناسبی و حوزه‌های معنایی ادراکی و روان‌شناختی انواع استعاره بر عملکرد آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی چگونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش درباره درک زبان مجازی را اش و نرلو (Asch and Nerlove, 1960) انجام دادند. آن‌ها، با استفاده از آزمون‌های روان‌شناسی، درک اصطلاحاتی را که به دو حوزه متفاوت، اشیای فیزیکی و ویژگی‌های روان‌شناختی، اشاره می‌کردند در کودکان ۳ تا ۱۲ ساله بررسی کردند. نتایج نشان داد که کودکان اصطلاحات مربوط به اشیای فیزیکی را نسبت به اصطلاحات مربوط به ویژگی‌های روان‌شناختی بهتر درک می‌کردند و تنها تعدادی از کودکان ۹ ساله و بزرگ‌تر ارتباط بین این دو حوزه را متوجه می‌شدند. یافته‌های این پژوهش هم‌سو با مدل رشد شناختی پیاژه بود.

وینر و همکاران (Winner et al., 1980) تأثیر صورت زبانی در درک استعاره‌ها را از طریق آزمون بیانی تفسیر استعاری و آزمون چندگزینه‌ای در کودکان ۶، ۷ و ۹ ساله بررسی کردند. در این آزمون‌ها، یک جمله استعاری در پنج صورت متفاوت گزاره، تشبیه، استعاره بدون مشبه، قیاس، و معما به کودکان عرضه گردید و درک استعاره مورد ارزیابی واقع شد. نتایج نشان از تأثیر نوع صورت زبانی بر درک کودکان داشت؛ به این صورت که درک معما، به دلیل صورت زبانی آشناتر آن، آسان‌تر از صورت‌های دیگر بود، در حالی که درک قیاس و استعاره بدون مشبه مشکل‌تر بود. بنابراین، می‌توان مدعی شد عوامل زبانی، مانند آشنایی با صورت زبانی استعاره، روشن بودن مقایسه و وجه تشابه استعاری، درک استعاره را تسهیل می‌کنند.

گنتنر (Gentner, 1988) در تحقیقی رشد درک استعاره را در کودکان و بزرگسالان بر مبنای «نظریه نگاشت ساختاری» (Structure Mapping Theory) با هدف نشان دادن تفاوت بین انواع استعاره‌ها (استعاره‌هایی با ویژگی‌های عینی مشترک، استعاره‌هایی با ساختار مرتبط مشترک و استعاره‌های مرکب از هر دو نوع) بررسی کرد. دو آزمون روی سه گروه سنی ۵-۶ سال، ۹-۱۰ سال و بزرگسالان (دانشجو) اجرا شد که از هر گروه سنی ۱۰ نفر حضور داشتند. در هر یک از این دو آزمون، آزمودنی‌ها می‌بایست تفسیری از هر سه نوع استعاره ارائه می‌دادند. نتایج نشان داد که، در هر دو آزمون، با افزایش سن آزمودنی‌ها، تفسیر روشن‌تری از استعاره‌های ساختار مشترک داده شد، در حالی که تفاوتی در درک بهتر دو نوع دیگر استعاره با افزایش سن حاصل نشد. گنتنر هم‌چنین در مقاله خود به نتایج متناقضی از مطالعات انجام‌شده در مورد رشد درک استعاره در کودکان اشاره می‌کند.

گرژیونا (Grzywna, 2007) در پایان‌نامه خود به بررسی درک استعاره در کودکان پیش‌دبستانی پرداخت. هدف از این پژوهش آن بود که به کمک آزمونی نشان دهد، به‌خلاف آنچه اینهلدر و پیازه (1964) و پیروان آن‌ها کمتا و اسن (Cometa and Eson, 1978) بیان کرده‌اند، توانایی درک استعاره در کودکان از ۴ سالگی آغاز می‌شود. پایه طراحی آزمون این پژوهش، چهار آزمون پژوهش‌های گاردنر (1974)، گنتنر (1977)، کمتا و اسن (1978) و نیپولد و همکاران (Nippold, et al., 1984) بود. در آزمونگرژیونا، کودکان دو گروه سنی ۳ و ۵ سال در مواجهه با چهار نوع استعاره نو و ناآشنای نحوی و معنایی قرار گرفتند و درک آن‌ها از طریق تست دوگزینه‌ای ارزیابی شد. یافته‌ها نشان دادند که کودکان ۵ ساله درک بهتری نسبت به کودکان ۳ ساله دارند. ۵ ساله‌ها فقط تحت تأثیر ساخت نحوی‌اند، در حالی که ۳ ساله‌ها تحت تأثیر ساخت نحوی و حوزه معنایی‌اند. استعاره روان‌شناختی - تناسبی برای هر دو گروه سنی دشوارترین نوع استعاره‌ها بود؛ استعاره ادراکی - گزاره‌ای فقط برای ۳ ساله‌ها ساده‌ترین نوع بود، ولی ۵ ساله‌ها استعاره روان‌شناختی - گزاره‌ای را بهتر و ساده‌تر درک کردند.

استوارت و واکر (Stewart and Walker, 2010) در مقاله خود به نتایج چند تحقیق، از جمله تحقیق کانینگهام (Cunningham, 1976) اشاره می‌کنند که، در آن، ارتباط بین تعداد استعاره‌های موجود در متن و تأثیر آن بر درک متن بررسی شده است. آزمودنی‌های این تحقیق دانش‌آموزان ۱۲ ساله بودند. برای بررسی درک استعاره، داستانی یک‌بار با متن بدون استعاره و بار دیگر با متنی شامل چند استعاره به دانش‌آموزان داده شد و سپس دو «آزمون تکمیل متن» (cloze test) از متن داستان‌ها گرفته شد. نتایج نشان داد درک متن

دارای استعاره مشکل‌تر از درک متن بدون استعاره بود. کارتر (Carter, 1977) نیز آزمون مشابهی را طراحی کرد و بر مبنای نتایج تحقیق او نیز دانش‌آموزان متن بدون استعاره را بهتر درک کردند.

در زبان فارسی مطالعات بسیاری در مورد استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، انجام شده است. بخشی از این مطالعات به بررسی تأثیر استعاره بر آموزش پرداخته‌اند اما، بر اساس بررسی نگارندگان، تنها تعداد اندکی از این مطالعات، از منظر رشد زبان کودک، به فرایند درک استعاره پرداخته‌اند که می‌توان در این باره به پایان‌نامه رنگین‌کمان (۱۳۸۶) اشاره کرد. وی، در مطالعه خود، فراگیری استعاره در کودکان پیش‌دبستانی را بررسی کرده است. آزمودنی‌های این پژوهش ۱۰ کودک در سنین ۴، ۵ و ۶ سال بوده‌اند. داده‌های این پژوهش به سه روش ارتباط دادن تصاویر با مفهوم استعاری، بررسی شعرهای کودکان در کودکستان، و داستان‌گویی برای کودکان در قالب تصاویر جمع‌آوری شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد کودکان در سنین پیش از دبستان قادر به فهم مفاهیم استعاری هستند و این توانایی با افزایش سن بیشتر می‌شود. کودکان ابتدا با مفاهیمی آشنا می‌شوند که جنبه ملموس‌تری دارند و سپس استعاره‌های انتزاعی‌تر شکل می‌گیرند. یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که استعاره هستی‌شناختی، استعاره حرکتی و استعاره ساختی به‌ترتیب ملموس‌ترین استعاره‌ها برای کودکانند. از جمله پژوهش‌های مرتبط با استعاره در حوزه آموزش، می‌توان به دو نمونه اشاره کرد. چوپان‌زاده (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود به بررسی کاربرد استعاره در گفتمان آموزشی در چهارچوب رویکردی ارتباطی پرداخته است که این رویکرد حاصل ترکیب جنبه‌هایی از نظریه شناختی استعاره و رویکرد کاربردشناختی کامرون (Cameron) است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بسامد استعاره‌های زبانی و متعارف بالاتر از بسامد سایر استعاره‌ها و بسامد استعاره در گفتمان بیشتر از بسامد آن در نوشتار است.

شادمانی زرنگ (۱۳۸۷) نیز، در پایان‌نامه خود، تأثیر کاربرد استعاره بر آموزش خلاقانه را بررسی کرده است. این پژوهش بر پایه دیدگاهی شناختی به استعاره می‌نگرد و از میان سه نظریه رفتارگرایی (behaviorism)، شناختی، و ساخت‌گرایی در حوزه یادگیری، نظریه شناختی را مبنا قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش استعاری با یادگیری و میزان ماندگاری مطالب در ذهن یادگیرنده رابطه معناداری دارد.

شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. در این پژوهش، پس از معرفی



رویکرد شناختی به استعاره، ده کتاب داستان از مجموعه داستان‌های منتشرشده برای گروه سنی کودکان و نوجوانان بررسی شده است. هدف از این بررسی، مشخص کردن انواع استعاره‌های به‌کاررفته در این کتاب‌ها بوده است و این‌که کدام‌یک از این انواع بیش‌تر به‌کار رفته و اساساً در این کتاب‌ها از استعاره برای تسهیل درک چه مفاهیم ذهنی‌ای استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، از میان انواع استعاره‌هایی که لیکاف (۱۹۸۰) معرفی کرده است، شخصیت‌بخشی، که از جمله استعاره‌های هستی‌شناختی است، بیش از انواع دیگر در این داستان‌ها به‌کار رفته است و نوع استعاره‌های به‌کاررفته در این کتاب‌ها در غالب موارد با مراحل رشد شناختی و تفکر کودک، که پیازه بیان کرده است، سازگاری دارند. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد که استعاره‌ها در آموزش برخی مفاهیم به کودکان و نوجوانان و نیز درک بهتر کودکان از برخی مفاهیم پیچیده و انتزاعی نقش مهمی دارند.

### ۳. روش پژوهش

در این پژوهش تجربی - میدانی، نمونه‌گیری آزمودنی‌ها به‌صورت گروهی انجام شده است. آزمودنی‌ها ۱۰ کودک ۶ ساله مقطع پیش‌دبستانی مهدکودکی واقع در منطقه ۵ تهران، ۱۰ کودک ۷ ساله، و ۱۰ کودک ۸ ساله دبستانی در همان منطقه (در مجموع ۳۰ کودک) بودند. همه آزمودنی‌ها در شهر تهران سکونت داشتند و تک‌زبان بودند. هم‌چنین، همگی آنان از سلامت جسمی و روانی و بهره‌هوشی طبیعی برخوردار بودند. درصد تعداد پاسخ‌های درست کودکان آزمودنی فارسی‌زبان، در سه گروه سنی در چهار زیرآزمون درک استعاره، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

در این پژوهش، به‌منظور ارزیابی توانایی کودکان ۶ تا ۸ ساله فارسی‌زبان در درک استعاره‌های معنایی - نحوی، از آزمون پژوهش گرژیونا (2007) استفاده شده است که این آزمون خود برگرفته از آزمون نیپولد و همکاران (1984) است. آزمون پژوهش حاضر از یک پیش‌آزمون «تشخیص واژه» (word recognition test) و یک آزمون اصلی تشکیل شده است. هدف از اجرای پیش‌آزمون تشخیص واژه این بود که آزمونگر اطمینان حاصل کند که کودکان گروه‌های سنی مورد آزمون نام مشابه و/یا مشابه‌به‌های ذکرشده در جمله‌های استعاری آزمون را می‌دانند. آزمون اصلی شامل ۳۶ جمله است که به چهار زیرآزمون ۹ جمله‌ای از انواع مختلف استعاره‌های نو و ناآشنا با ساخت‌های نحوی گزاره‌ای و تناسبی و

حوزه‌های معنایی ادراکی و روان‌شناختی تقسیم می‌شود. از آنجا که برخی از نمونه‌های مشابه و مشابه‌به‌به‌کاررفته در آزمون نیپولد با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی زبان فارسی هم‌خوانی نداشته‌اند، از آن‌ها صرف نظر شده است و جملات دیگری با مشابه و مشابه‌به‌های مناسب با توجه به مشخصه‌ها و مقتضیات فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی و خصوصیات زبان فارسی جانشین آن‌ها شده‌اند. پس از اجرای پیش‌آزمون و تثبیت ۳۶ جمله استعاری، آزمون اصلی به اجرا درآمد.

در هر چهار زیرآزمون، آزمونگر برای سنجش درک آزمودنی از مفهوم استعاره، پس از هر محرک جمله‌ای، همان جمله را به تعبیری دیگر بیان می‌کرد؛ به این ترتیب که آزمونگر ابتدا واژه آغازگر تعبیر آن جمله و سپس دو گزینه را برای هر یک از آزمودنی‌ها به صورت جداگانه می‌خواند و آزمودنی می‌بایست یکی از دو گزینه را به عنوان پاسخ درست انتخاب می‌کرد. در استعاره‌های گزاره‌ای، پاسخ درست مشخصه‌ای است که پایه درست و منطقی شباهت بین مشابه و مشابه‌به است، در صورتی که پاسخ نادرست فقط شامل مشخصه مشابه است و در استعاره‌های تناسبی پاسخ درست مربوط به مشابه دوم و ارتباط آن با مشابه اول و پاسخ نادرست فقط مربوط به مشابه اول است. در تمامی زیرآزمون‌ها، بلافاصله بعد از پاسخ آزمودنی، برای اطمینان یافتن از این که کودک به خوبی تمرکز داشته و مفهوم استعاره را به درستی برداشت کرده است، آزمونگر یک پرسش سنجش (probe question) مطرح می‌کرد. پرسش‌های سنجش به سه نوع تقسیم شده‌اند. نوع اول به مشابه اول در استعاره‌های با ساخت نحوی تناسبی و مشابه در استعاره‌های با ساخت نحوی گزاره‌ای اشاره دارد؛ نوع دوم به مشابه اول در استعاره‌های با ساخت نحوی تناسبی و مشابه‌به در استعاره‌های با ساخت نحوی گزاره‌ای؛ و نوع سوم به مشابه دوم در استعاره‌های با ساخت نحوی تناسبی و اسم آخر جمله با ساخت گزاره‌ای اشاره دارند. پیش از ثبت پاسخ کودک، یک پرسش سنجش از یکی از انواع سه‌گانه پرسش‌ها، به تناسب ساخت نحوی جمله، از آزمودنی پرسیده می‌شد. بعد از این پرسش، آزمودنی می‌توانست پاسخ خود را تغییر دهد و پاسخ دوم به عنوان پاسخ نهایی به صورت «درست» یا «نادرست» به وسیله آزمونگر در جدولی ثبت می‌شد. ترتیب ارائه زیرآزمون‌ها و همچنین ترتیب خواندن جمله‌های هر گروه برای همه آزمودنی‌ها یکسان بود. پاسخ‌های درست بین گزینه‌های الف و ب متغیر بودند؛ به این ترتیب که، در نیمی از جمله‌ها، پاسخ الف پاسخ درست بود و، در نیمی دیگر، پاسخ ب پاسخ درست بود. برای این که پاسخ‌ها به درستی ثبت شوند و هیچ پاسخی از قلم نیفتد، همه مراحل آزمون با دستگاه mp3 ضبط شد.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

پژوهشگران، برای توصیف داده‌های خود، عملکرد آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی، در چهار زیرآزمون درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، روان‌شناختی - گزاره‌ای، ادراکی - تناسبی و روان‌شناختی - تناسبی، را در جدول‌های جداگانه بر اساس درستی و نادرستی پاسخ‌های آزمودنی‌ها نمایش دادند. سپس میانگین پاسخ‌های درست آزمودنی‌های هر یک از گروه‌های سنی را در هر زیرآزمون محاسبه و، با توجه به پرسش‌های پژوهش، با استفاده از آمار توصیفی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداختند.

#### ۱.۴ تجزیه و تحلیل عملکرد کودکان در سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال در چهار زیرآزمون درک استعاری

درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۶ سال در درک انواع استعاره در جدول ۱ درج شده است. تحلیل داده‌های این جدول نشان می‌دهد که میانگین درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های ۶ ساله در درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای  $45/3\%$ ، در درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای  $35/3\%$ ، در درک استعاره‌های ادراکی - تناسبی  $40\%$ ، و در درک استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی  $24/3\%$  است. این داده‌ها گویای آنند که، به‌طور کلی، این گروه از آزمودنی‌ها توانایی پایینی در درک استعاره‌ها از خود نشان دادند.

جدول ۱. درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۶ سال در درک انواع استعاره

نوع استعاره	۶ ساله
ادراکی - گزاره‌ای	$45/3\%$
روان‌شناختی - گزاره‌ای	$35/3\%$
ادراکی - تناسبی	$40\%$
روان‌شناختی - تناسبی	$24/3\%$

جدول ۲ درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های گروه سنی ۷ سال را در درک انواع استعاره نشان می‌دهد. این گروه از کودکان استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای را با  $66\%$ ، استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای را با  $57/5\%$ ، استعاره‌های ادراکی - تناسبی را با  $50\%$  و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی را با  $40\%$  پاسخ درست درک کرده‌اند. بنابراین، آزمودنی‌های ۷ ساله توانایی متوسطی در درک انواع استعاره از خود نشان دادند.

جدول ۲. درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۷ سال در درک انواع استعاره

نوع استعاره	۷ ساله
ادراکی - گزاره‌ای	٪۶۶
روان‌شناختی - گزاره‌ای	٪۵۷/۵
ادراکی - تناسبی	٪۵۰
روان‌شناختی - تناسبی	٪۴۰

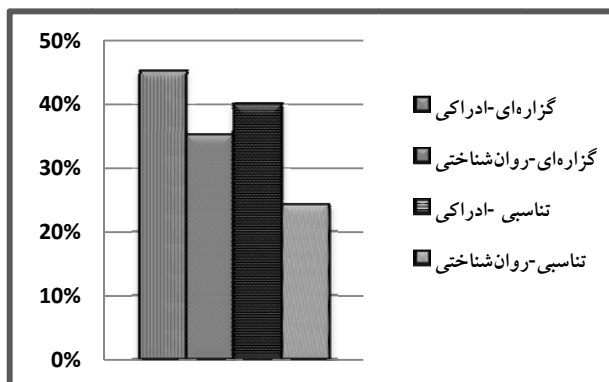
در جدول ۳ درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های گروه سنی ۸ سال در درک انواع استعاره قابل مشاهده‌است. درصد پاسخ‌های درست آنان در درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای ٪۸۰، در درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای ٪۷۶/۳، در درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای ٪۶۴، و در درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای ٪۵۱ بوده است. این داده‌ها توانایی نسبتاً بالای این کودکان را در درک استعاره‌ها نشان می‌دهند.

جدول ۳. درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۸ سال در درک انواع استعاره

نوع استعاره	۸ ساله
ادراکی - گزاره‌ای	٪۸۰
روان‌شناختی - گزاره‌ای	٪۷۶/۳
ادراکی - تناسبی	٪۶۴
روان‌شناختی - تناسبی	٪۵۱

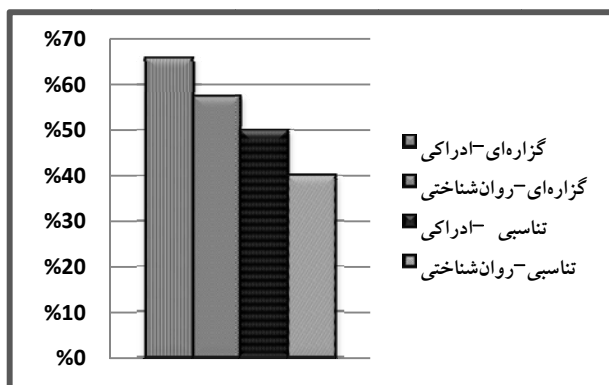
#### ۲.۴ درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در هر یک از گروه‌های سنی آزمودنی

در بخش قبل، به بررسی عملکرد آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی در درک انواع استعاره پرداخته شد. در این بخش، انواع استعاره به‌ترتیب میزان دشواری پردازش توسط آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی به‌صورت جداگانه در نمودارهای مربوط نمایش داده می‌شوند. نمودار ۱، که مربوط به درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۶ سال است، نشان می‌دهد که کودکان این گروه سنی بالاترین سطح ادراکی را در استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای داشتند و درک استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی برای آنان دشوارتر از انواع دیگر استعاره بوده است. هم‌چنین این کودکان استعاره‌های ادراکی - تناسبی را، با وجود ساخت نحوی پیچیده‌شان، بیش‌تر از استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای درک کرده‌اند.



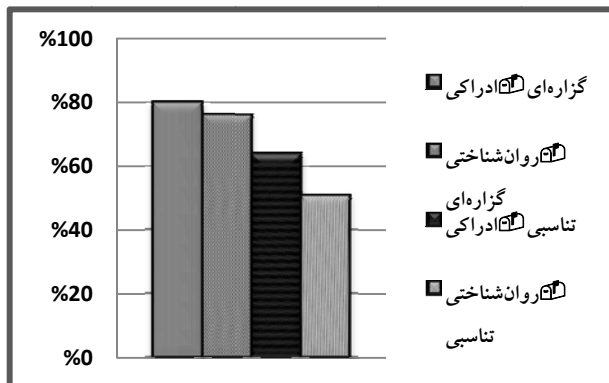
نمودار ۱. درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۶ سال

نمودار ۲ درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۷ سال را نشان می‌دهد. طبق این نمودار، استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، با بیش‌ترین درصد پاسخ‌های درست، ساده‌ترین نوع؛ و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی، با کم‌ترین درصد پاسخ‌های درست، دشوارترین نوع استعاره در گروه سنی ۷ سال‌اند. این گروه از آزمودنی‌ها استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای را بیش‌تر از استعاره‌های ادراکی - تناسبی درک کردند.



نمودار ۲. درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۷ سال

نمودار ۳ درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۸ سال را نشان می‌دهد که، بر اساس آن، استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، با بیش‌ترین درصد پاسخ‌های درست، ساده‌ترین نوع؛ و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی، با کم‌ترین درصد پاسخ‌های درست، دشوارترین نوع استعاره در گروه سنی ۸ سال‌اند. هم‌چنین ترتیب درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای و ادراکی - تناسبی مشابه گروه سنی ۷ سال است.



نمودار ۳. درجه‌بندی دشواری پردازش انواع استعاره در کودکان گروه سنی ۸ سال

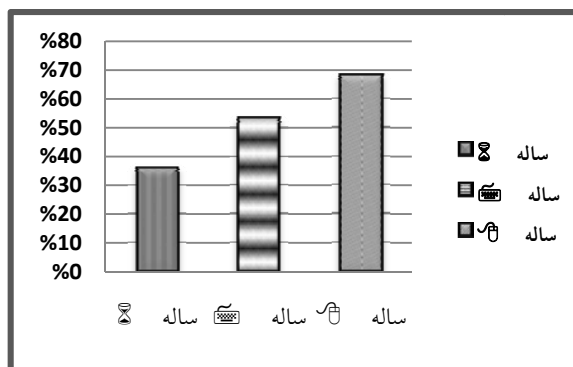
### ۳.۴ مقایسه بین گروهی عملکرد آزمودنی‌های سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال در درک انواع استعاره

داده‌های جدول ۴، که تلخیص میانگین درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های سه گروه سنی در چهار زیرآزمون است، نشان می‌دهد که آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی، به نسبت‌های متفاوت، از توانایی درک انواع استعاره‌های معنایی - نحوی برخوردارند؛ به این ترتیب که میانگین توانایی درک انواع استعاره در کودکان ۶ ساله ۳۶٪، در کودکان ۷ ساله ۵۳/۴٪، و در کودکان ۸ ساله ۶۸٪ است. بنابراین، کودکان، به تناسب رشد سنی خود، پیش‌رفت منظم و قابل ملاحظه‌ای در درک انواع استعاره، به‌طور کلی، نشان داده‌اند.

جدول ۴. مقایسه بین گروهی درصد پاسخ‌های درست کودکان سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال در درک انواع استعاره

گروه سنی			نوع استعاره
۸ سال	۷ سال	۶ سال	
۸۰٪	۶۶٪	۴۵/۳٪	ادراکی - گزاره‌ای
۷۶/۳٪	۵۷/۵٪	۳۵/۳٪	روان‌شناختی - گزاره‌ای
۶۴٪	۵۰٪	۴۰٪	ادراکی - تناسبی
۵۱٪	۴۰٪	۲۴/۳٪	روان‌شناختی - تناسبی
۶۸٪	۵۳/۴٪	۳۶/۲٪	میانگین

همچنین می توان میانگین کلی عملکرد آزمودنی های سه گروه سنی را در درک انواع استعاره در نموداری ترسیم کرد. نمودار ۴ به وضوح روند رشدی فزاینده میانگین درک انواع استعاره را در سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال نمایش می دهد.



نمودار ۴. مقایسه بین گروهی درک انواع استعاره در سه گروه سنی آزمودنی

#### ۴.۴ سنجش میزان تأثیر ساخت های نحوی گزاره ای و تناسبی و حوزه های معنایی ادراکی و روان شناختی بر عملکرد آزمودنی های هر یک از گروه های سنی

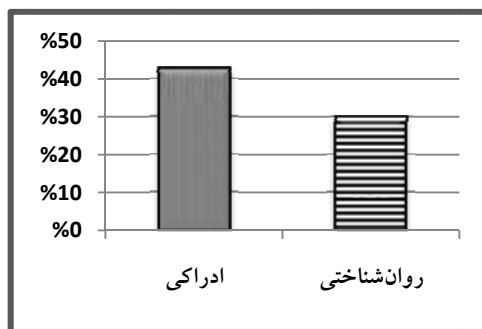
به منظور بررسی میزان تأثیر ساخت های نحوی بر عملکرد آزمودنی ها، ابتدا باید میانگین عملکرد آزمودنی های هر یک از سه گروه سنی در درک دو نوع استعاره دارای ساخت نحوی گزاره ای بررسی و سپس میانگین عملکرد آزمودنی های هر یک از سه گروه سنی در درک دو نوع استعاره دارای ساخت نحوی تناسبی محاسبه شود و، در نهایت، اختلاف میانگین های عملکرد آزمودنی ها در درک استعاره های نحوی گزاره ای و نحوی تناسبی مشخص گردد. همچنین، برای سنجش میزان تأثیر حوزه های معنایی بر عملکرد آزمودنی ها، باید میانگین عملکرد آزمودنی های هر یک از سه گروه سنی در درک دو نوع استعاره دارای حوزه معنایی ادراکی و نیز میانگین عملکرد آزمودنی های هر یک از سه گروه سنی در درک دو نوع استعاره دارای حوزه معنایی روان شناختی محاسبه و سپس اختلاف میانگین های عملکرد آزمودنی ها در درک استعاره های ادراکی و روان شناختی مشخص شود. با این روش، میزان تأثیر بیش تر یکی از دو ساخت نحوی و یکی از دو حوزه معنایی تعیین می شود. در نهایت، با توجه به ترتیب درک انواع استعاره و نیز میزان اختلاف میانگین های عملکرد آزمودنی ها در درک استعاره های نحوی و معنایی، می توان به میزان تأثیر بیش تر ساخت های نحوی یا حوزه های معنایی استعاره ها بر عملکرد آزمودنی های هر یک از سه گروه سنی پی برد.

نمودار ۵، که مربوط به بررسی میانگین عملکرد آزمودنی‌های ۶ ساله در درک استعاره‌های نحوی گزاره‌ای و تناسبی است، نشان می‌دهد که میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان ۶ ساله در درک استعاره‌های گزاره‌ای  $40/3\%$  و میانگین درصد پاسخ‌های درست آن‌ها در درک استعاره‌های تناسبی  $32/2\%$  است. اختلاف  $8/1\%$  در میانگین درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های ۶ ساله در درک استعاره‌های گزاره‌ای و تناسبی تأثیر ساخت نحوی گزاره‌ای بر عملکرد آن‌ها را نشان می‌دهد؛ یعنی ساخت نحوی گزاره‌ای فرایند درک در کودکان را تسهیل می‌کند.



نمودار ۵. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۶ سال در درک استعاره‌های نحوی

نمودار ۶ نیز نشان می‌دهد که میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان ۶ ساله در درک استعاره‌های ادراکی  $42/7\%$  و میانگین درصد پاسخ‌های درست آنان در درک استعاره‌های روان‌شناختی  $30\%$  است. این داده‌ها گویای آن است که کودکان ۶ ساله، با اختلاف تقریبی  $12/7\%$ ، استعاره‌های ادراکی را بهتر از استعاره‌های روان‌شناختی درک کرده‌اند؛ یعنی درک حوزه معنایی ادراکی برای این گروه از آزمودنی‌ها آسان‌تر است.



نمودار ۶. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۶ سال در درک استعاره‌های معنایی



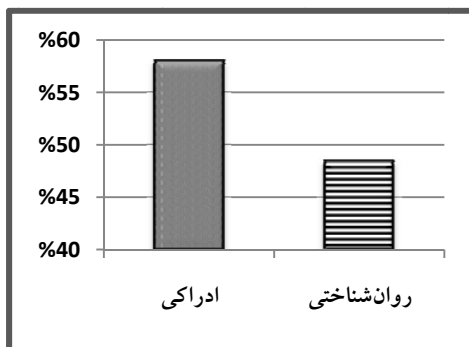
پیش‌تر مشاهده شد که آزمودنی‌های ۶ ساله بهترین عملکرد را در درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای و بدترین عملکرد را در درک استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی داشتند، اما نکته قابل توجه این است که، در عین پیچیده‌تر بودن ساخت تناسبی، میزان درک آن‌ها از استعاره‌های ادراکی - تناسبی بیش از استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای بوده است. مقایسه ۴/۶٪ اختلاف میانگین‌های عملکرد کودکان در درک استعاره‌های نحوی و معنایی تأثیر مثبت حوزه‌های معنایی در افزایش توانایی ادراکی کودکان ۶ ساله آزمودنی را نسبت به تأثیر ساخت‌های نحوی نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت، با وجود تأثیر ساخت نحوی، تأثیر حوزه معنایی در عملکرد کودکان این گروه سنی بارزتر است.

میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان ۷ ساله در درک استعاره‌های گزاره‌ای ۶۲٪ و میانگین درصد پاسخ‌های درست آن‌ها در درک استعاره‌های تناسبی ۴۵٪ است. نمودار ۷ تفاوت میانگین عملکرد درصد پاسخ‌های درست کودکان ۷ ساله را در درک استعاره‌های گزاره‌ای و تناسبی نشان می‌دهد. آزمودنی‌های ۷ ساله استعاره‌های گزاره‌ای را با اختلاف تقریبی ۱۷٪ بهتر از استعاره‌های تناسبی درک کردند. این اختلاف میانگین بین درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های ۷ ساله تأثیر بیش‌تر ساخت نحوی گزاره‌ای بر ساده‌تر شدن فرایند درک استعاره برای کودکان این گروه سنی را نشان می‌دهد.



نمودار ۷. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۷ سال در درک استعاره‌های نحوی

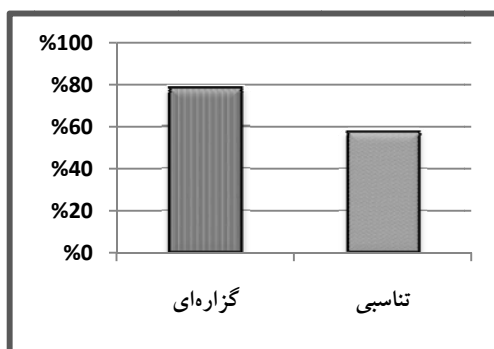
میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان ۷ ساله در درک استعاره‌های ادراکی ۵۸٪ و میانگین درصد پاسخ‌های درست آن‌ها در درک استعاره‌های روان‌شناختی ۴۸/۵٪ است. نمودار ۸ نشان می‌دهد که آزمودنی‌های ۷ ساله استعاره‌های ادراکی را با اختلاف تقریبی ۹/۵٪ بهتر از استعاره‌های روان‌شناختی درک کردند؛ یعنی حوزه معنایی ادراکی باعث ساده‌تر شدن درک استعاره‌ها برای این گروه شده است.



نمودار ۸. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۷ سال در درک استعاره‌های معنایی

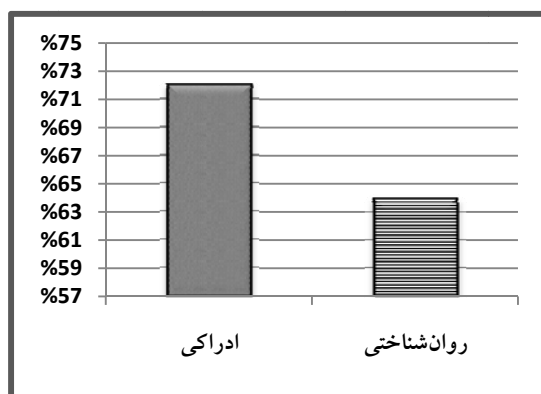
پیش‌تر بحث شد که استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای آسان‌ترین نوع استعاره‌ها برای این آزمودنی‌ها بودند؛ پس از این نوع استعاره، آن‌ها عملکرد بهتری در درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای نسبت به استعاره‌های ادراکی - تناسبی داشتند و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی نیز دشوارترین استعاره‌ها برای آنان بود. با توجه به ترتیب درک انواع استعاره و میزان ۷/۵٪ اختلاف میانگین‌های عملکرد کودکان در درک استعاره‌های نحوی و معنایی، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر ساخت نحوی بر عملکرد آزمودنی‌های ۷ ساله بیش از تأثیر حوزه معنایی بوده است.

میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان ۸ ساله در درک استعاره‌های گزاره‌ای ۷۸٪ و میانگین درصد پاسخ‌های درست آن‌ها در درک استعاره‌های تناسبی ۵۷/۵٪ است. نمودار ۹ نشان می‌دهد که آزمودنی‌های ۸ ساله استعاره‌های گزاره‌ای را با اختلاف تقریبی ۲۰/۵٪ بیش‌تر از استعاره‌های تناسبی درک کرده‌اند. این میزان تفاوت بین میانگین درصد پاسخ‌های درست آزمودنی‌های ۸ ساله تأثیر بیش‌تر ساخت نحوی گزاره‌ای بر عملکرد کودکان را تأیید می‌کند.



نمودار ۹. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۸ سال در درک استعاره‌های نحوی

میانگین عملکرد کودکان ۸ ساله در درک استعاره‌های ادراکی ۷۲٪ و میزان میانگین عملکرد آنان در درک استعاره‌های روان‌شناختی ۶۴٪ است. نمودار ۱۰ نشان می‌دهد آزمودنی‌های ۸ ساله استعاره‌های ادراکی را با اختلاف تقریبی ۸٪ بهتر از استعاره‌های روان‌شناختی درک کردند.



نمودار ۱۰. میانگین درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه سنی ۸ سال در درک استعاره‌های معنایی

پیش‌تر مشاهده شد که استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای آسان‌ترین نوع استعاره‌ها برای این آزمودنی‌ها بودند. پس از این نوع استعاره، کودکان ۸ ساله، به ترتیب، استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای و استعاره‌های ادراکی - تناسبی را بهتر درک کردند؛ استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی نیز دشوارترین استعاره‌ها برای آنان بود. با توجه به ترتیب درک انواع استعاره و میزان ۱۲/۵٪ اختلاف میانگین‌های عملکرد کودکان در درک استعاره‌های نحوی و معنایی، می‌توان نتیجه گرفت که برای آزمودنی‌های ۸ ساله نیز تأثیر ساخت نحوی بیش از حوزه معنایی بوده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

در این بخش ابتدا فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شوند و سپس، بر پایه یافته‌های حاصل از عملکرد آزمودنی‌ها، فرضیه‌ها ارزیابی می‌شوند. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. کودکان فارسی‌زبان، در هر یک از سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال، درجات متفاوتی از توانایی در درک انواع استعاره را نشان می‌دهند؛ ۲. استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، برای هر سه گروه سنی، ساده‌ترین و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی برای هر سه گروه سنی دشوارترین نوع استعاره‌ها هستند. میزان دشواری استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای و ادراکی - تناسبی

نیز ممکن است برای آزمودنی‌های سه گروه سنی متفاوت باشد؛ ۳. درک استعاره در کودکان روند رشدی دارد؛ یعنی، با افزایش سن و رشد شناختی، قدرت درک و تفسیر کودکان از مفاهیم استعاری افزایش می‌یابد؛ و ۴. با وجود تأثیر ساخت نحوی استعاره‌ها بر عملکرد کودکان ۶ ساله، آن‌ها بیش‌تر تحت تأثیر حوزه معنایی استعاره‌ها هستند، در حالی که کودکان ۷ و ۸ ساله بیش‌تر از ساخت نحوی استعاره‌ها تأثیر می‌پذیرند.

بر مبنای فرضیه نخست این پژوهش، کودکان فارسی‌زبان در هر یک از سه گروه سنی ۶، ۷ و ۸ سال، درجات متفاوتی از توانایی را در درک انواع استعاره نشان می‌دهند. نتایج به‌دست آمده از تحلیل‌های آماری نشان دادند که توانایی کودکان ۶ ساله در درک انواع استعاره بسیار پایین بوده است. این کودکان استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای را بیش‌تر و بهتر از انواع دیگر استعاره درک کردند و، در مقابل، درک استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی، که دربردارنده ساخت نحوی پیچیده و مفاهیم انتزاعی بود، برای آنان بسیار دشوار بود. پاسخ‌های درست آزمودنی‌های این گروه سنی، به‌احتمال قوی، بیش‌تر متکی بر تجربیات غیرزبانی آنان یا مبتنی بر حدس و گمان بود تا این‌که، بر پایه منطق و استدلال، شباهتی بین مشبه و مشبه‌به بیابند؛ زیرا، در مواردی هم که آن‌ها پاسخ درست را انتخاب کرده بودند، قادر به بیان دلیل انتخاب پاسخ درست خود نبودند. کودکان ۷ ساله توانایی متوسط ولی بهتر از کودکان ۶ ساله آزمودنی در درک انواع استعاره داشتند. آن‌ها نیز بیش‌ترین پاسخ درست را در زیرآزمون درک استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای و سپس، به‌ترتیب، در زیرآزمون‌های درک استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای، ادراکی - تناسبی، و روان‌شناختی - تناسبی داشتند. بررسی عملکرد این گروه نشان داد که، به‌عکس آزمودنی‌های گروه سنی ۶ سال، پاسخ‌های درست آن‌ها به‌صورت تصادفی یا شانسی ارائه نمی‌شد و مبتنی بر روابط منطقی ذهنی کودکان بود. توانایی کودکان ۸ ساله در درک انواع استعاره به‌مراتب بیش از توانایی کودکان ۷ ساله بود، ولی ترتیب میزان درک آن‌ها از استعاره‌ها همانند کودکان ۷ ساله بود. میزان درک آزمودنی‌های ۸ ساله از استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای و روان‌شناختی - گزاره‌ای تقریباً یک‌سان بود که ممکن است دلیل آن شناخت بیش‌تر آن‌ها از مفاهیم انتزاعی و تشخیص دقیق‌تر روابط منطقی میان مفاهیم زبانی باشد. مجموع این داده‌ها فرضیه ۱ را، که کودکان هر سه گروه سنی توانایی درک استعاره‌ها را به میزان متفاوتی دارند، تأیید می‌کند.

بر اساس پیش‌بینی فرضیه ۲، استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای برای آزمودنی‌های هر یک از سه گروه سنی ساده‌ترین نوع استعاره‌ها و استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی برای آن‌ها دشوارترین نوع استعاره‌ها بودند. بر اساس نمودار ۱، درجه‌بندی دشواری درک انواع

استعاره در گروه سنی ۶ سال به صورت: ۱. استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، ۲. استعاره‌های ادراکی - تناسبی، ۳. استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای، و ۴. استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی بود. نمودارهای ۲ و ۳ درجه‌بندی دشواری درک انواع استعاره در گروه سنی ۷ و ۸ سال را به صورت: ۱. استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، ۲. استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای، ۳. استعاره‌های ادراکی - تناسبی، و ۴. استعاره‌های روان‌شناختی - تناسبی نشان دادند. این یافته‌ها با فرضیه ۲ هم‌خوانی دارد. بر اساس درجه‌بندی دشواری درک انواع استعاره در هر سه گروه سنی، ترتیب درک دو نوع دیگر استعاره، یعنی استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای و ادراکی - تناسبی، در گروه سنی ۶ سال متفاوت با دو گروه سنی ۷ و ۸ سال است. بنا بر این یافته‌ها، فرضیه ۲ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

داده‌های جدول ۴، که مربوط به مقایسه عملکرد آزمودنی‌های سه گروه سنی بود، از نظر کمی به روشنی روند رشدی فزاینده در درک استعاره‌ها با افزایش سن را نشان می‌دهد. با توجه به این داده‌ها، می‌توان گفت که کودکان ۶ ساله تشخیص می‌دادند که منظور جمله همان چیزی نیست که ظاهراً به صورت لفظی بیان می‌شود، اما تنها در مورد استعاره‌های ادراکی می‌توانستند با توجه به ویژگی‌های ظاهری و ملموس شباهت بین دو حوزه مختلف را درک کنند. کودکان ۷ ساله می‌توانستند در استعاره‌های گزاره‌ای ارتباط بین معنای لفظی و منظور استعاری عبارت را تشخیص دهند و استدلال‌های صحیحی را، که منجر به پاسخ‌های درست می‌شد، ارائه کنند، ولی در استعاره‌های تناسبی متوجه معنای ضمنی نهفته در جمله نمی‌شدند. در طول اجرای چهار زیرآزمون استعاری، هنگامی که از کودکان ۸ ساله خواسته می‌شد توضیحی در مورد گزینه انتخابی خود بدهند، استدلال خود را، که مبتنی بر شباهت بین دو حوزه استعاری بود، بیان می‌کردند و نسبتاً می‌توانستند بین حوزه‌های مختلف عینی و انتزاعی با دیگر حوزه‌ها ارتباط برقرار کنند و، در مواردی، معنای ضمنی استعاره‌ها را تشخیص دهند. به این ترتیب، با توجه به یافته‌های آماری، می‌توان رشد ادراکی کودکان را به تناسب سن مشاهده و فرضیه ۳ را تأیید کرد.

فرضیه آخر میزان تأثیر ساخت نحوی و حوزه معنایی بر عملکرد آزمودنی‌های سه گروه سنی را بررسی می‌کند. یافته‌های به دست آمده نشان داد، همان‌گونه که پیش‌بینی شده بود، کودکان ۶ ساله بیش‌تر به حوزه معنایی ادراکی توجه می‌کردند و استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای و ادراکی - تناسبی را بیش از استعاره‌های روان‌شناختی - گزاره‌ای و روان‌شناختی - تناسبی درک می‌کردند. هم‌چنین درک استعاره‌های گزاره‌ای برای آنان ساده‌تر از استعاره‌های تناسبی بود. بنابراین، می‌توان گفت، با وجود تأثیر هر دو عامل نحو و

معنا بر عملکرد کودکان ۶ ساله، عملکرد آنها بیش‌تر تحت تأثیر حوزه معنایی استعاره‌ها بوده است. کودکان ۷ ساله نیز انواع استعاره‌های گزاره‌ای را بهتر از انواع استعاره‌های تناسبی درک می‌کردند و، از این رو، ساخت نحوی استعاره‌ها مؤثرتر از حوزه معنایی آنها بر مهارت درکی کودکان گروه سنی ۷ سال بوده است. کودکان ۸ ساله هم، مانند آزمودنی‌های ۷ ساله، بیش‌تر تحت تأثیر نوع ساخت نحوی بودند و درک هر دو حوزه ادراکی و روان‌شناختی برای آنان ساده بود. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی فرضیه آخر، مبنی بر تأثیرگذاری بیش‌تر معنا بر عملکرد کودکان ۶ ساله و تأثیرگذاری بیش‌تر نحو بر عملکرد کودکان ۷ و ۸ ساله، تأیید می‌شود.

در مورد تطبیق یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مشابه پیشین، نظیر مطالعات نیپولد (Nippold, 1984) و گرژیونا (Grzywna, 2007)، باید گفت که یافته‌های هر سه پژوهش، به‌طور همگون، نشان می‌دهند توانایی درک استعاره‌ها در کودکان از سنین پایین آغاز شده و با افزایش سن به‌صورت منظم افزایش می‌یابد. هم‌چنین، بر اساس نتایج به‌دست آمده، آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلف سنی در درک استعاره‌های تناسبی در مقایسه با استعاره‌های گزاره‌ای مشکل بیش‌تری داشتند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، کودکان در سنین پایین نشانه‌هایی از درک استعاره‌های ساده‌تر را نشان می‌دهند، ولی درک استعاره‌های پیچیده و مبتنی بر مفاهیم انتزاعی مستلزم رشد شناختی بیش‌تر در سنین بالاتر است. با این همه، بدیهی است که مجموعه گسترده‌ای از داده‌های حاصل از مطالعات رشد زبان استعاری در کودکان لازم است تا بتوان در این مورد نتایج شفاف‌تر به‌دست آورد و نظریات دقیق‌تر ارائه کرد.

## کتاب‌نامه

- چوپان‌زاده، مرضیه (۱۳۸۴). «بررسی استعاره در گفت‌مان آموزشی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زیگلر، رابرت و مارتا واگنر آلیالی (۱۳۸۷). *تفکر کودکان: روان‌شناسی رشد شناختی*، ترجمه و تلخیص سیدکمال خرازی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شادمانی زرنگ، فاطمه (۱۳۸۷). «تأثیر استعاره بر آموزش خلاقانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفی، شهلا و زهرا حامدی شیروان (۱۳۸۹). «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی»، *تفکر و کودک*، س ۱، ش ۲.

صفوی، کورش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.  
گلفام، ارسلان (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، *فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی*، ش ۱۵.  
گلفام، ارسلان و فرانک رنگین‌کمان (۱۳۸۶). «فراگیری استعاره در کودکان پیش از دبستان»، *مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.  
نیلی‌پور، رضا (۱۳۹۰). «پرسش‌های معرفت‌شناختی درباره مبانی زیست‌شناختی زبان»، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی عصب‌شناسی زبان*، به‌کوشش شهبلا رقیب‌دوست، تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران و اهورا.

- Asch, S. and H. Nerlove. (1960). "The Development of Double Function Terms in Children: An Exploratory Study", in B. Kaplan and S. Wapner (eds.). *Perspectives in Psychological Theory*, New York: International Universities Press.
- Carter, B. B. (1977). "Helping Seventh Graders to Understand Figurative Expressions", *Journal of Reading*, 4.
- Cometa, M. S. and M. E. Eson (1978). "Logical Operations and Metaphor Interpretation: A Piagetian Model", *Child Development*, 49.
- Cunningham, J. W. (1976). "Metaphor and Reading Comprehension", *Journal of Reading Behavior*, 4.
- Gardner, H. (1974). "Metaphors and Modalities: How Children Project Polar Adjectives onto Diverse Domains", *Child Development*, 45.
- Gentner, D. (1977). "Children's Performance on a Spatial Analogies Task", *Child Development*, 48.
- Gentner, D. (1988). "Metaphor as Structure Mapping: The Relational Shift", *Child Development*, 59.
- Glucksberg, S. and B. Kaysar (1993). "How Metaphors Work", in A. Ortony (ed.) (2<sup>nd</sup> Ed.). *Metaphor and thought* (401-424), Cambridge: Cambridge University Press.
- Grzywna, K. (2007). "Metaphor Comprehension by Preschool Children", M. A. thesis. University of Adama Mickiewicza.
- Inhelder, B. and J. Piaget (1964). *The Early Growth of Logic in the Child*, New York: Norton.
- Lakoff, G. and M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. and M. Johnson (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and Its Challenges to Western Thought*, New York: Basic books.
- Miller, G. A. (1993). "Images and Models, Similes and Metaphors", In A. Ortony (ed.) (2<sup>nd</sup> ed.). *Metaphor and thought* (357-400), Cambridge: Cambridge University Press.
- Morgan, J. L. (1993). "Observations on the Pragmatics of Metaphor", in A. Ortony (ed.) (2<sup>nd</sup> ed.). *Metaphor and thought* (124-134), Cambridge: Cambridge University Press.
- Nippold, M., L. B. Leonard, and R. Kail. (1984). "Syntactic and Conceptual Factors in Children's Understanding of Metaphor", *Journal of Speech and Hearing Research*, 27.
- Piaget, J. (1959). *The Language and Thought of the Child*, London: Routledge & Kegan Paul.

- Stewart, P. and E. Walker (2010). "Comprehending Metaphorical Language", (retrieved from EBSCOhost database, date of access: 11 Dec. 2011).
- Vosniadou, S. (1986). "Children and Metaphors", M. A. Thesis. University of Illinois, Urbana-Champaign: Cambridge.
- Vosniadou, S., A. Ortony, R. E., Reynolds, and P. T. Wilson (1984). "Sources of Difficulty in Children's Comprehension of Metaphorical Language", *Child Development*, 55.
- Winner, E., M. Engel, and H. Gardner (1980). "Misunderstanding Metaphor: What's the Problem?", *Experimental Child Psychology*, 30.